

- ۱ • خونا به ای به رنگ طلا
- ۲ • این بار جواب نداد!
- ۳ • شکوه طوفان
- ۴ • سلسله تاریخی



خونا به ای به رنگ طلا

ماجرای ضیافت هرساله مخترع دینامیت

«زن زندگی آزادی WOMAN LIFE FREEDOM کمیته نروژی، نوبل صلح ۲۰۲۳ را به نرگس محمدی به دلیل مبارزه وی علیه سرکوب زنان در ایران و مبارزه او برای دعوت به حقوق بشر و آزادی برای همه اعطا می‌کند.» خانم مجری پس از بیان عبارات بالا، عینک بیضی شکل سیاهش را در می‌آورد و به دوربین خبرنگاران حاضر در سالن می‌نگرد. لنزهایی که فرار است بوی خون را در سراسر جهان مخابره کنند. قبل از اتمام رسمی مراسم، دست و پا زدن روزنامه‌های داخلی و خارجی برای انتشار هر چه سریع‌تر خبر و وقایع تحلیلی آن شروع می‌شود. سرعت واکنش در رسانه، مهم‌ترین معیار کاسبی است؛ خصوصاً اگر صاحب‌کارت دست‌به‌تقد باشد و این‌گونه رد پای خون صدها جوان ایرانی در پس آن مدال زرین نوبل، تیتربیک می‌شود. خبر برای برخی از کاسبان خون پاییز ۱۴۰۱، تداعی و تجسم تقالی واهی برای هدفی کرم‌خورده بود و برای برخی روزنه‌ای نور برای غم کردن پیراهن عثمان! مصی علی‌نژاد؛ مهره سوخته سازمان سیا که جز هزینه اضافه دستاورد دیگری ندارد، بزرگ‌ترین بازنده از دور باطل مسابقات است. از آن طرف مریم رجوی؛ عجوژه خنابس متافقیین از ناگجا آباد سفلی سعی دارد این مدال را به خود منتسب کند بلکه بتواند نشانی از زنده‌بودن نهضت متوفی

شش از نه

آنچه شیخ ابراهیم را به خمینی آفریقا مبدل کرد

خمینی آمد؛ کسب تکلیف کرد و بعد از آنکه فرمان تبلیغ اسلام ناب در نیجریه را از امام امت دریافت کرد به دیارش بازگشت تا رسول دین خمینی باشد... شیخ ابراهیم توانست در همین ۴۰ سال جنبش‌های اسلامی بزرگی را در نیجریه تأسیس کند و با نشان دادن مسلکش، یک سپاه بیست میلیون نفری از شیعیان را در نیجریه برپا سازد... سپاهی که آرام، آرام در برابر ظلم‌های جهان و کشورش برافروخت و ندای استعانت مظلومین را لبیک گفت و همین شد که دولت‌های مستکبر خواستند با گلوله و شکنجه و حصر صدایش را خفه کنند... اما شیخ ابراهیم زکراکی به قول خودش در این ۸ سال آزمایش سخت الهی، خم به ابرو نیاورد و با آنکه داغ شش پسرش و هزار جوان شیعه دیگر را به دل داشت، دست از تبلیغ اسلام خمینی برنداشت... و زکراکی اتمام حجت خداست برای ما که می‌شود همه چیز از جان خود و خانواده را نثار بیاده‌کردن اسلام در جهان و عدالت کرد؛ اما لحظه‌ای سست نشد می‌شود تنهای تنهای تنها ماند و زخم‌زبان و تیر و تیغ دشمن و رهاسدن از جانب دوستان را تحمل کرد و

ادامه در صفحه ۳

هنوز یک سال از شهادت سه فرزندش در حمله ارتش نیجریه به شیعیان شرکت‌کننده در راهپیمایی روز قدس نگذشته بود که دوباره و فقط چند روز بعد از اربعین حسینی نیروهای سفاک ارتش نیجریه به حسینیه بقیه الله زاریا حمله کردند و ۱۰۰۰ نفر از «خمینیون» را به شهادت رساندند... این لقب را اهالی زاریا به شیعیانی که همچون پروانه به دور شیخ ابراهیم زکراکی می‌چرخیدند، داده بودند... از نه فرزند او شش پسرش به شهادت رسیدند و در همان روز خونین که خواهرش زنده، زنده در آتش سوخت؛ خودش و همسرش هم تا مرز شهادت پیش رفتند... اما خدا خواست که خمینی آفریقا بماند تا الگوی زنده‌ای برای مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و کشتار مستکبرین باشد... شیخ ابراهیم ما حوالی سال ۵۷ مشغول تحصیل آکادمیک در کشورش بود که خبر انقلاب اسلامی ایران به گوشش رسید و نقطه عطف بزرگ زندگی او شد دلش تاب نیاورد و به دیدار روح‌الله



سر مقاله

در حالیکه تا سال ۱۳۵۶، تنها ۴ روزنامه آتم عمده‌تاً توسط وابستگان دربار و دولت در ایران منتشر می‌شد، اما پس از انقلاب اسلامی با وجود ادعای معاندین درباره نبود آزادی بیان و قلم در ایران، در سال ۱۳۹۷ این تعداد به ۵۶ روزنامه رسیده است که عمدتاً توسط روزنامه‌نگاران مستقل و بخش خصوصی منتشر می‌شود.

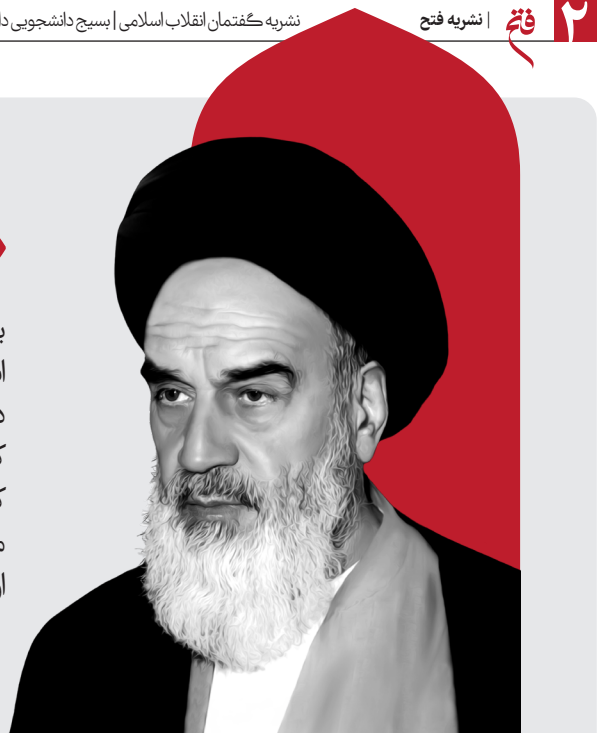
چی بودیم
چی شدیم..



امام روح الله

برای من یک مطلب به شکل معماست و آن این است که همه دول اسلامی و ملت‌های اسلام می‌دانند که این درد چیست، می‌دانند که دست‌های اجانب در بین است که اینها را متفرق از هم بکنند، می‌بینند که با این تفرقه‌ها ضعف و نابودی نصیب آنها می‌شود، می‌بینند که یک دولت پوشالی اسرائیل در مقابل مسلمین ایستاده - که اگر مسلمین مجتمع بودند، هرکدام یک سطل آب به اسرائیل می‌ریختند او را سیل می‌برد - مع‌ذک در مقابل او زیون هستند.

صحیفه امام، جلد ۹، صفحه ۲۷۴



این بار جواب نداد!



در فضای نوین جهانی است. این الگوی تکرار شونده در مواجهه با کشور سوریه اتفاق افتاد و مرگ یک دختر مدل جوان سرآغاز شورش و قیامی بزرگ و تحولی عظیم سیاسی شد. نقشه‌ای که در صورت هوشیاری مسئولین نمی‌توانست اثر چندانی در ملت هوشیار ایران اسلامی بگذارد. اما متأسفانه پیاده‌سازی مشابه همان نقشه در کشورمان زمینه‌سازی اغتشاشاتی شد که صلابت کم‌کاری و انفعال تاریخی مسئولین در زمینه مسائل فرهنگی در آن مؤثر بود؛ اما اصل نقشه ریشه در همان تفکرات فریب‌کارانه انگلیسی داشت. نقشه‌ای که برای بار دوم و سوم هم تکرار شد؛ ولی به دلیل نزدیکی زمانی کمتر از موج اول نتیجه داد. اما در یک مورد نتیجه نداد. کور عیاشی‌اش را دو بار کم نمی‌کند. این بار تفاوتی با دفعات قبل داشت و آن هم اقدام به‌موقع و سریع و هوشیارانه خبرگزاری‌ها به‌عنوان اولین راپیاده‌های اطلاعات و آشکارشدن فیلمی که جای شک و شبهه‌ای باقی نمی‌گذاشت. البته که به لطف جوانمردی چند تن از بانوانی که همراه آن دختر نوجوان در آن صحنه به خصوص بودند و با شفافیت بیان کردند که خبری از گشت ارشاد نبوده، این باور که این بار هم پای یک مأمور حکومتی در میان بوده را از ذهن افراد زدود. اما شاید همان بیان‌های صریح نیز حاصل فروکش کردن جو آشوبگری در فضای مجازی بود. این اتفاق نشان داد که با همان دوربین ناواضح و تصاویر کدر نیز می‌شد جلوی شعله‌ور شدن آتش دوباره اغتشاش و آشوب را در کشور گرفت. ای کاش مسئولین قدر سلاح گران‌بهای شفافیت را بدانند که به کمک آن می‌توان مار گزنده فتنه و فریب را در دم سر برید تا کشور از پیامدهای ناگوار و بلندمدت آن در امان بماند.

شاید کمتر کسی اهتمامی به دانستن درباره دوران تاریک نفوذ سفرا و مستشاران انگلیسی در ایران داشته باشد. کما اینکه منابع خطی و غیرخطی زیادی نیز وجود ندارد؛ اما کم‌وبیش شنیده‌هایی وجود برخی از این دست منابع را تصدیق می‌کنند. دورانی که عالمی به‌ظاهر ربانی با نهادن آهن‌راهایی مخصوص در بخش‌های خود آنها را در پیش چشم همگان جفت می‌کرد تا خود را دارای مقامات عالی‌نشان دهد یا در انتهای عصای خود یک شوک کوچک الکتریکی کار می‌گذاشت تا با اصابت دانش به افراد دیگری غیر از خود، گناه آلودگی و ناپاکی وجودشان را نمایان سازد. از این دست فریب‌های هوشمندانه که هنوز هم پس از یک قرن آدم را به حیرت وامیدارد فقط گوشه‌ای از سال‌های سال خدعه و فریب و طرح‌های کم‌نقص و نافذ برای پیشبرد اهداف دولت‌های غربی و به خصوص انگلیسی است. آنها اکنون به غول‌های کارگشته‌های مسلح به سلاح فتنه و نیرنگ تبدیل شده و نقشه‌های فریبنده خود را در میان ملل‌های مخالف خود از جمله مسلمانان به کار بسته‌اند. اما شاید الگویی که بیش‌ازپیش توسط مودیان و رובה صفتان تاریخ طراحی شده استفاده از مظلومیت و زیبایی توأمان زنان است. انقلاب‌های جنسی که ابتدا در خود غرب اتفاق افتاده و پوشش‌های مردم را تا سرحد برهنگی کاهش داده، حالا ایده‌های موفق و کارآمد برای پیاده‌سازی در میان مردمانی است که حیا و غیرت از صفات درونی و تاریخی آنان محسوب می‌شود.

حضور دختران جوان در انقلاب‌ها یا جنگ‌ها که در سال‌های اخیر به طور کاملاً آشکار و بارز در رویت‌ترین سینمایی‌های یهود نیز عیان شده، نماد قیام برای آزادی غربی و برهم‌زدن نظم سیاسی اجتماعی و فرهنگی موجود

بدهد. از طرف دیگر؛ تبریک وزیر اطلاعات رژیم پوشالی صهیونیستی در توثیقی به گیرنده مدال، عبارت «با هم پیروزیم زراً» را می‌نویسد که حاکی از همان آرزوی کشت بایر و بی‌ثمر است. در داخل اما مواضع متفاوت است. تبریک رئیس یکی از احزاب سیاسی به‌خوبی مشی و مرام این حزب را در به اكمال رساندن «عند رفاقت» به برخی از نهادهای ضدایرانی نشان می‌دهد که اگر نمی‌بود جای بسی تعجب به همراه داشت. فارغ از اعلان نظرهای متفاوت از گوشه‌وکنار، بیابید وصیت آلفرد نوبل مؤسس و پایه‌گذار بنیاد بین‌المللی جایزه نوبل را راجع به شرایط دریافت مدال صلح این مؤسسه با هم مرور کنیم. در بخشی از این وصیت‌نامه می‌خوانیم: این جایزه باید «به کسی داده شود که بهترین یا بیشترین کوشش را در راه برادری ملل، انحلال یا کاهش آتش‌ها یا تشکیل و ترغیب کنفرانس‌های صلح کرده باشد». دانستن این موضوع زمانی جالب‌تر می‌شود که بدانید مرحوم آلفرد، مخترع دینامیت بوده و با علم به اینکه دست‌پخت او آتش دهان سوزی را برای آیندگان ناهل به جا می‌گذارد، اقدام به تأسیس این مؤسسه برای تطهیر یاد و رسم خود کرده است تا عصر جدید او را به‌عنوان یک انسان پرست تقدیس کنند. به تعبیر خودمانی‌تر، آن مغفور «از دست پس می‌زد و با پا پیش می‌کشید.» با بررسی مختصر این سیر تاریخی از مؤسسه نوبل و مطالعه اسامی منتخبین نوبل صلح در سال‌های اخیر، به این نکته پی می‌بریم که بیشتر از آنچه که آن مدال زرین به «صلح» نزدیک باشد به نوبل خونریزی، بی‌رحمی، ستمگری، وطن‌فروشی و هر صفتی که ذیل دایره ضدبشری جا گیرد نزدیک‌تر است. صاحبان نوبل صلح در این سال‌ها کسانی جز عاملان کشتار غیرنظامیان فلسطینی، حاکمان حمله‌کننده به خاورمیانه و کشتار صدها هزار انسان، دست‌ورده‌ها به قتل عام، کشتار، تجاوز و آوارگی مسلمانان روهینگایی میانمار... نیستند. همان‌هایی که با دیکتاتوری تمام‌عیار رسانه‌های اغتشاشات پاییز ۱۴۰۱ در مدیریت افکار عمومی با ظاهری انوکشیده کروات و با تیپ روشنفکری، عقب‌ماندگی و سرکوب حکومتی انسانی‌ترین حکومت را در شبکه‌هایشان تزیین کردند؛ اما هر چه بیشتر در باتلاق نابودی و فتنای ساخته شده به دست خود فروفتند. تفهیم واقعیت فاسدشدن جسم این طبل توخالی، نیاز به شمه‌ای دارد که طعم انعام، صله و مدال‌های اروپایی را نچشیده باشد تا بتواند هر چه‌بهرتر اضمحلال و انحطاط تمدن غربی را با تمام وجود درک کند. و العاقبه للمتینین

ادامه از صفحه ۱
 ذره‌ای خم نشد می‌شود. تنها محاسبه الهی-انقلابی کرد و اسیر هیچ بازی و سازش و محاسبه سیاسی-مادی نشد می‌شود. علی‌رغم همه مشکلات و جاذبه‌های مادی، حسینی زندگی کرد می‌شود. یک‌نفره یک مملکت را حسینی کرد و به همه دنیا درس حسینی زیستن داد می‌شود. اعتقاد به خدا و قبر و قیامت را در عمل خود نشان داد می‌شود دل به اراده هیچ قدرتی نداشت و تنها به خدا تکیه کرد. می‌شود. از مبارزه خسته نشد و پیروانی تربیت کرد که سه سال و نیم از هفت روز هفته را پنج‌روز راهپیمایی منتج به شهادت و جراحت و زندان انجام دهند. می‌شود به همه دنیا نه گفت.

می‌شود عزت را با هیچ چیزی معامله نکرد. می‌شود از اهل بیت کیسه نذوخت و مثل اهل بیت زندگی کرد. می‌شود هرجا را کربلا و هر روز را عاشورا دید و زیر بار هیچ ظلمی به خود و دیگران نرفت. می‌شود یا لیتنا کنا معک را در زندگی اکنون محقق کرد.



شکوه طوفان

• از گذشته برای امروز

او (امام حسین علیه السلام) همه چیز را تقدیم کرد. اگر این واقعه را به سلسله تاریخی و سردی نبرد میان حق و باطل پیوند دهیم، خود را در این جبهه نبرد قرار داده‌ایم. امروز این نبرد میان ملت فلسطین و اسرائیل است. این مسئله فقط تکلیف فلسطینی‌ها نیست و اگر آنان این کار را انجام ندهند، بر ما واجب عینی است که به پا خیزیم و این کار را بکنیم. سخنان و شعارها روشن‌اند. وقتی که انسان معاصر درمی‌یابد که نبرد امام حسین با گذشته و آینده پیوند دارد، درنگ می‌کند و در برابر دو جبهه می‌ایستد تا صف خود را انتخاب کند. اگر بخواهیم هر دو جبهه را بشناسیم، باید بدانیم هر کدام ویژگی‌های خود را دارد. زیاد دقت نمی‌خواهد، ویژگی‌ها روشن است.

آیا کسی هست که شک کند اسرائیل ظالم است؟ اسرائیل سرزمین فلسطین را اشغال و مردم را آواره و بی‌گناهان را نابود کرده است. به بهانه حمایت از خود، تجاوز را ادامه می‌دهد و فکر جهانی را با استعمار و استثمار استعمار به بیراهه برده است. همه انسان‌ها محترم‌اند. تمامی هم‌میهنان محترم‌اند. ما خواستار حق شیعیان و غیرشیعیان هستیم خواستار حق هر محرومی و خواستار آبادی همه منطقه‌هاییم.

امام موسی صدر، رهبر شیعیان لبنان

حضرت امام خیلی سال پیش وظیفه ما را گوشزد کرده بودند و ما حال از خواب بیدار شده‌ایم که بلی ما مسلمانان نسبت به هم مسئولیت داریم و این بی‌تفاوتی، همیشه برای مسلمانان گران تمام شده است. این رژیم، با ایده صهیونیسم تشکیل شد و از همان آغاز جنایات بسیاری را علیه مردم اطراف خودش من جمله فلسطینیان انجام داد. برای مثال از همین سال ۲۰۰۸ تا اکنون ۱۵۰ هزار نفر غیرنظامی فلسطینی در غزه و کرانه باختری، کشته یا زخمی شده‌اند که ۳۳ هزار نفر از آنها کودک بوده‌اند. خب این فعالیت‌های نه تنها ضداسلامی بلکه ضد کل بشر که انجام پذیرفته است و هنوز هم تا نابودی کامل رژیم غاصب و طغیان گر صهیونیسم در این منطقه صورت می‌پذیرد نیازمند عزم دقیق و جدی ماست که حمایت کنیم و بی‌طرفی در اینجا، نسبت به این ملت مظلوم مقتدر، عین ظلم است و جهت‌گیری صحیح و به‌موقع می‌تواند افراد را رهایی بخشد و راه را به‌سوی کامیابی آسان‌تر کند. ازین‌بردن این لکه ننگ فلسطینیان خواست خود فلسطینیان است که بحمدالله در طوفان عظیم اخیر، به جد ثابت کرده‌اند که خواستار ازین‌بردن این غاصبان هستند و البته کمک‌ها و حمایت‌ها و دلگرمی‌های حداقل هم‌دینان را نیز می‌طلبند و از این بالاتر نیز، همراهی و همکاری تمام کسانی را می‌طلبند که دلسوز انسانیت و آزادی هستند. نه اینکه تازه بیاییم و تحت‌تأثیر عناصر ضاله و رسانه‌های ضد بشریت و ضد تفکر، حکم به محکومیت اقدام فلسطینیان دهیم و یک‌طرفه به قاضی روییم. چنانچه آزار و اذیت‌های تحمل‌ناپذیر صهیونیست‌ها در دهه‌های اخیر و در طول این دوره منحوس حیات صهیون را ببینیم، چگونه می‌توانیم چشم بر روی واقعیات نبندیم. حضرت آقا نیز می‌فرمایند: مقصر خود شماید ای ستمگران صهیونیست، عامل این طوفان خود شما هستید خودتان بلا را به سر خودتان آوردید. یک ملت غیر از واکنش غیورانه و شجاعانه در مقابل چنین دشمنی هیچ راهی ندارد. وقتی ظلم و جنایت از حد گذشت وقتی درنده‌خویی به نهایت رسید، باید منتظر طوفان بود.

در دیوارها، حکایت می‌کنند از صحبت‌های برخی افراد نادان در رابطه با اینکه چرا حمایت از مردم فلسطین می‌کنید و مگر چه نفعی بر جمهوری اسلامی دارد و چرا و چرا؟ کمی باید از این لاک خود، و سری که درون برف کرده‌ایم بیرون آییم و وقایع را آن‌گونه که هست بدون هیچ‌گونه پیش‌داوری‌ای نگاه کنیم. ایده تشکیل دولت اسرائیل توسط همان کسانی داده شد که حاضر نبودند یهودیان را به کشورهای خود پناه دهند و حتی دست به نسل‌کشی آنان نیز زده بوده‌اند و می‌خواستند در قلب قطب اسلام، این غده سرطانی را پرورش دهند و اهداف خاصی را دنبال می‌کردند و به دنبال یک نماینده در این منطقه مهم و استراتژیک غرب آسیا بودند که اهداف آنان را جلو ببرد. خود چرچیل که قاتل به ناسیونالیسم یهودی بود، با طرز احمقانه برخوردکردنش می‌گوید: «یهودیان باید وطن و مرکزی، ملی داشته باشند و این کجا می‌تواند باشد جز فلسطین که پیوند قلبی سه هزارساله با آن دارند و سپس در ادامه می‌گوید که از مزایا و پیشرفت صهیونیست، بقیه هم بهره‌مند می‌شوند.» آری بهره می‌شوند بقیه دنیا، از فسادهایشان، از کودک‌کشی‌هایشان، از آواره‌کردن هزاران هزار مظلوم و تلاش برای یکپارچه کردن همه فلسطین به یهودیان، ضمناً چه کسی گفته که این سرزمین فقط جایگاه یهودیان است، مسیحیان و مسلمانان نیز در آن جای دارند و سلطه‌جویی و قدرت‌طلبی صهیونیسم، کار را دشوار کرده است که از ظلمش حتی مسیحیان نیز به هوش آمده‌اند که این غاصب همه را ویران کرده و برای سلطه بر مناطق بیشتر بیکار می‌کند. حضرت امام خمینی رحمة الله علیه می‌فرمایند: «چرا باید یک کشورهایی که دارای همه چیز هستند و دارای همه جور قدرت هستند، اسرائیل با آن عده کم بیاید و به آنها این‌طور حکم‌فرمایی کند؟ چرا باید این‌طور باشد؟ جز این است که ملت‌ها از هم جدا، و از دولت‌ها جدا و دولت‌ها از هم جدا، و یک میلیارد جمعیت مسلمین با همه تجهیزاتی که دارند نشسته‌اند و اسرائیل آن جنایات را به لبنان می‌کند و به فلسطین می‌کند.»



سلسله تاریخی

ظلمتی که فطرت را احاطه کرده است

شاید اگر از سیاستمداران مستکبر غربی در دوران کودکی می‌پرسیدند شما قصد دارید هنگامی که بزرگ می‌شوید چه کاره باشید، آنها جواب می‌دادند: - آقا اجازه؟ ما می‌خواهیم مردم دنیا را در بند بکشیم. البته امکان قوی‌تر این است که بزرگ‌ترهایشان این اراجیف را خیلی مویرگی و غیرمستقیم به آنها آموخته باشند. احتمالاً این جمله به‌صورت صریح گفته نخواهد شد؛ اما این جمله کاریکاتوری، از همان عمل و نتیجه آنها وام‌گرفته است. انسان خود بنیادی که از منبع وحی تبری جسته است، خود را مرکز دنیا می‌بیند. مگر نه این است که او شکل مدرن همان است که گفت: **أَنَا رَبُّكُمْ الْأَعْلَى**. این طور شد که خدایان مضحک و حقیر و ضعیف، در عرصه روزگار سر برآوردند. انسانی که به نسیان می‌رسد و فطرت سفید خویش را لگدمال سیاهی لذت می‌کند. گویی او بر مرکب نفس و انانیت خویش سوار است، اما حاشا اگر بپذیرد همچون غلامی دست و پا بسته و کور و کر و لال در بند نفس است. جوامعی که نظام معانی‌شان هیچ‌گونه رابطه‌ای با منبع حقیقت ندارد پر از تاریکی شده و حقایق را به‌هیچ‌وجه نمی‌پذیرند. غفلت در کنار ترس و وهم همچون شمشیری بران می‌خواهد گردن تمام ادکار و توجهات را به آن حقیقت و فطرت و انسانیت انسان بزند. ترسی که انسان را به سمت جبری اجتماعی می‌راند و تلقین می‌کند که تمام ایده بهشت زمینی همان نهایت آمال انسانی است و تو را از این حکومت و سیطره‌گریزی نیست. اما باگذشت زمان انسان در می‌یابد در تونلی تنگ و تاریک و نمودر گرفتار شده و هیچ‌گونه گرمای زنده بخشی بر صورت و سیرت او نمی‌تابد، در می‌یابد که بن‌بستی سخت انتظار او را می‌کشد. کم، کم هژمونی باطل، برایش رنگ می‌بازد، کم، کم توهین به شرافت انسان، فطرت انسانی‌اش را قفلک می‌دهد، و سوآلی را برای انسان ایجاد می‌کند: - مگر نه این است که قرار بود بر چیزی دیگر سجده کنم. موجودی که پنجره بی‌نهایت مهربانی و عشق را به روی‌مان باز خواهد کرد؟ او که به ما می‌گوید انسان بهره‌کش هیچ‌کس و ناکسی نیست. انسان از کابوس اجتماعی خودسر بر می‌آورد، در عمل از کابوس خویش برانت می‌جوید، و تا سر حد رسیدن به آزادی خویش فریاد ذلت ناپذیری را همنشین دهانش می‌کند: - ننگ بر خاموش شدن نورها... - ننگ بر خدا شدن انسان... - ننگ بر پنجره‌های بسته و ننگ بر اتاق نمودر و تاریک و خفه! اینجاست که شاید او حسین بن علی و اصحابش را ندیده باشد؛ اما شیشه استبداد تاریخ و جامعه را بشکند و فریاد برگردد: - هیهات که ما تن به ذلت و خواری دهیم



شناسنامه: | مدیرمسئول: پوریا عصار | جانشین مدیرمسئول: سیدعلی رضوی | سردبیر: علیرضا سعادت، امیر غلامی | صفحه آرایی: احمدرضا شهریاری | تحریریه: محمد امیراکبری، سبحان شایسته، سامان آرام‌بن، حسین طالبی، ابوالفضل عرب‌نجفی